

# بیست سخنرانی پنج دقیقه‌ای



واحد احیای سنت‌های حسنه  
معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی

## مقدمه

۱. در فرصتی کوتاه بخشی از یک

سنت حسنه به مردم معرفی می‌شود.

۲. مبلغان محترم، سخنان و

مطالب متنوع را تحت یک عنوان کلی

(سنت‌های حسنه) و جهت دار بیان

می‌کنند.

۳. از پراکنده‌گویی و اتلاف وقت

مخاطبین و در نتیجه زدگی و

رویگردانی آنها و کم شدن جمعیت در

محافل مذهبی و مجالس جلوگیری

می‌شود.

۴. به لحاظ اینکه فهم و بکارگیری

سنت‌های حسنه نیاز ضروری مردم و

اموری عملی است، جذابیت زیادی

از آنجا که بسیاری از مشکلات و

معضلات موجود در جامعه به عدم

شناخت عامه مردم از حقایق و

دستورات دینی و یا غفلت از آنها باز

می‌گردد، بر آن شدیم تا باگردآوری

آیات، روایات، داستانها، نکات

تاریخی، اشعار، خاطرات، لطیفه‌ها،

ضرب المثلها و... در رابطه با سنت‌های

حسنه، مجموعه‌ای را در قالب

سخنرانیهای پنج دقیقه‌ای تنظیم کرده،

و در اختیار مبلغین محترم قرار دهیم.

این شیوه از چند جهت می‌تواند

مفید باشد:

خواهد داشت.

برنامه شرکت می‌کنند - هر چند کم باشند - با رغبت مطالب را پی‌گیری کنند و اثر گزاری مطلوب بر مخاطبان صورت پذیرد.

جهت تحقق این امر و برای هر روز، آیه یا حدیث مربوط به موضوعی را همراه یک داستان یا خاطره یا نکته تاریخی و یا... به اندازه‌ای که از یک جلسه پنج دقیقه‌ای فراتر نرود، تنظیم می‌کنیم و این رویه را ادامه می‌دهیم تا چند موضوع از سنتهای حسنه را مطرح سازیم. سپس چند موضوع دیگر از سنتها را به همین روش در نظر گرفته و ارائه می‌دهیم.

**سنت امر به معروف و نهی از منکر**  
**جلسه اول: امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین ویژگی جامعه اسلامی**  
 قال الله تعالی: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»<sup>۱</sup> «شما بهترین امتی بودید که برای مردم پدید آمدید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.»

در مرحله اول، شش سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر، شرکت فعال در مسجد، رعایت حقوق دیگران، ازدواج آسان، آئین همسر داری و ساده زیستی و دوری از تجمل را انتخاب کرده‌ایم. و برای هر کدام چند سخنرانی در نظر گرفته شده است.

در این آیه شریفه «امت اسلامی» به عنوان بهترین امت معرفی شده است و دلیل آن دو چیز ذکر شده است: «امر به معروف و نهی از منکر» و «ایمان به خدا». نکته جالب توجه این است که در این آیه امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم داشته شده که نشانه اهمیت و عظمت آن است. به تبع این ویژگی برای

تذکر: از آنجا که بسیاری از مردم سخنرانی بین دو نماز را - هر چند کوتاه باشد - نوعی برنامه تحمیلی می‌دانند، از اینرو تقاضا می‌شود جلسات پنج دقیقه‌ای، پس از ادای دو نماز اجراء شود تا عده‌ای که در این

۱. آل عمران/۱۱۰.

بود؛ ولی هیچ کس جرأت نمی‌کرد قدم پیش گذارد و به آنها تذکر دهد. در همین موقع، سید ناظم واعظ که در مسجد جنب حرم مشغول وعظ بود، مردم را تهییج نمود تا امر به معروف و نهی از منکر کنند. خیر به مرحوم حاج شیخ محمد تقی بافقی رسید. او ابتدا به خانواده دربار پیغام فرستاد که: اگر مسلمان هستید نباید با این وضع در این مکان مقدس حضور یابید و اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید در این مکان حضور یابید. پیام موثر واقع نشد. حاج شیخ محمد تقی شخصاً به حرم آمد و سخت به آنان اعتراض نمود و از آنها خواست که سر و صورت خود را بپوشانند یا از آنجا خارج شوند. در این وقت غوغایی به پا شد. خانواده پهلوی فوراً به منزل تولیت حرم رفته و از آنجا با تلفن به رضاشاه خبر دادند. او فوراً به سوی قم حرکت کرد و دستور داد یک عده سرباز پشت سرش حرکت کنند.

بعد از چند ساعت به شهر قم رسید و مستقیماً وارد صحن حرم شد. چند نفر طلبه را که در آن اطراف

بهترین امت اسلامی، باید گفت که مهم‌ترین ویژگی جامعه اسلامی هم همین مسئله است که امر به معروف و نهی از منکر شناخته شود و وجدانهای بیداری در جامعه پیوسته از آن پاسداری کنند.

داستان هجوم رضاخان به قسم به بهانه بی‌احترامی به خانواده‌اش، نمونه‌ای از این بیداری آگاهانه در جامعه را نشان می‌دهد:

از قدیم الایام تا به امروز مرسوم بوده و هست که غالباً مردم هنگام تحویل سال نو در اماکن متبرکه به سر می‌برند و آن را به فال نیک می‌گیرند. عید نوروز سال ۱۳۰۶ شمسی با ۲۷ رمضان ۱۳۴۶ مطابق بود و زوّار بسیاری از نقاط مختلف به سوی شهر قم روی آوردند تا هنگام تحویل سال در حرم حضرت معصومه باشند. حرم مملوّ از جمعیت بود. اعضای خانواده پهلوی - که همسر رضاشاه هم جزو آنها بود - در غرفه بالای ایوان آینه بدون حجاب کامل نشسته بودند، و این به طوری جلب نظر می‌کرد که صدای اعتراض مردم از هر سو بلند

سرلوحه کار خویش قرار داد و جز در موارد ضرورت، باید از راههای مسالمت‌آمیز وارد شد. متأسفانه بعضی، هنگام امر به معروف و نهی از منکر، از راه خشونت‌آمیز وارد می‌شوند و به الفاظ زشت و زننده متوسل می‌گردند، لذا می‌بینیم این نوع امر به معروفها نه تنها اثر خوبی ندارد، بلکه گاهی نتیجه معکوس می‌دهد.

در تفسیر المنار آمده است: جوانی به خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! آیا به من اجازه می‌دهی زنا کنم؟! با گفتن این سخن فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند، ولی پیامبر خدا ﷺ با خونسردی و ملایمت فرمودند: نزدیک بیا. جوان نزدیک آمد و در برابر پیامبر نشست. حضرت با محبت از او پرسید: آیا دوست داری با محارم تو (مثل مادر، خواهر و دختر) چنین کنند؟ جوان ناراحت شد و گفت: نه فدایت شوم. حضرت فرمود:

بودند، شلاق زد و چند نفری راهم در جوار قبر حضرت معصومه با عصا و لگد مضروب کرد. سپس دستور داد مرحوم بافقی را دستگیر کرده به تهران فرستند و تحویل زندان شهربانی دهند. او را همچنان در حبس نگه داشتند تا بعد از پنج ماه که آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی خواستار آزادی وی گردید.<sup>۱</sup>

اگر این روحیه در جامعه ما زنده بماند، پیوسته جامعه اسلامی از بسیاری از ناهمواریها و گردابه‌های مهلک در امان خواهد بود.

جلسه دوم: ملایمت و محبت در امر به

معروف و نهی از منکر

قال رسول الله ﷺ «لَا يَأْتُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: رَفِيقٌ بِمَا يَأْتُرُ بِهِ وَرَفِيقٌ فِي مَا يَنْهَى عَنْهُ...»<sup>۲</sup> امر به معروف و نهی از منکر نکند مگر کسی که سه خصلت در او باشد: [اول اینکه]: در آنچه به آن امر و نهی می‌کند، طریق مدارا پیش گیرد...» در راه انجام دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، پیوسته باید دلسوزی و حسن نیت و پاکی را

۱. محمد عابدی، پیکار با منکر در سیره ابرار، دفتر اول، ص ۱۱۵.

۲. خصال، ص ۱۰۹، ح ۷۹.

همینطور مردم راضی نیستند بامحارم آنها چنین شود.

جوان از سؤال خود پشیمان شد. سپس پیامبر خدا دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: «خدایا قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامان او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار». از آن به بعد منفورترین کار نزد این جوان، زنا بود.<sup>۱</sup> در سیره بزرگان و اولیاء الهی وارد شده است که گاهی در قالب طنز و شوخی امر به معروف می کردند. به عنوان نمونه، روزی بهلول، کارگرانی را دید که به مسجد سازی مشغولند، از آنان پرسید: بانی مسجد کیست؟ گفتند: هارون الرشید. بهلول به سنگ تراش دستور داد که روی سنگی این جمله را حکاکی کند: «بانی مسجد بهلول»!

سنگ تراش، سنگ را تراشید و به بهلول تحویل داد. او شبانه از نردبانی بالا رفت و این سنگ را بر سر در مسجد نصب کرد. روز بعد وقتی کارگران تابلو را دیدند، به هارون خبر دادند. هارون بهلول را احضار کرد و پرسید: بانی مسجد من هستم، تو چرا

خودت را بانی معرفی کردی؟! بهلول گفت: تو اگر برای خدا مسجد می سازی بگذار نام من باشد. خدا که می داند بانی کیست. او با این طنز به هارون فهماند که تو اخلاص نداری.

روزی دیگر بهلول وارد مجلس هارون شد؛ چون هارون در مجلس حضور نداشت، بهلول جای هارون نشست. خادمان او را از آنجا بلند کردند و کتک زدند. همین که هارون وارد مجلس شد، به هارون گفت: من چند دقیقه ای جای تو نشستم و کتک خوردم، وای به حال تو که عمری در جای اهل بیت پیامبر نشسته ای. آری او با این طنزها و با همین ملایمتها، هارون را متوجه خطاها و اشتباهات خود می کرد.

جلسه سوم: امر به معروف و نهی از منکر با عمل و رفتار

قال الصادق عليه السلام: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّيْئَاتِكُمْ لِيُرُوا مِنْكُمْ الْاِجْتِهَادَ وَالصَّدْقَ وَالْوَرَعَ»<sup>۲</sup> مردم را با غیر زبان دعوت

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۲. به نقل از تفسیر المنار.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹، باب ۵۷.

کنید تا از شما اجتهاد، راستگویی و پارسایی ببینند.»

قوانین اسلام مبتنی بر حکمت و کیفیت نظام یافته است که خود بتواند نگهبان و حافظ خویش باشد. امر به معروف و نهی از منکر دو قانون نگهبان است که از دیگر قوانین الهی پاسداری می‌کند. برای تأثیر بهتر این دو قانون در افراد و جامعه بهتر است که از روش غیر مستقیم و توأم با عمل، آن دو را به دیگران آموخت و اجرا کرد.

سعدیاگرچه سخندان و مصالح‌گویی

به عمل کار برآید، به سخندانی نیست در این رابطه داستان جالبی از عالم الهی مرحوم آخوند ملاحعباس تربتی نقل شده است:

یکی از محافظان فرزند آخوند ملاکاظم خراسانی نقل می‌کند: «در ایام زمستان برای سرکشی به املاک آقا به نیشابور رفته بودیم، در مراجعه به مشهد در راه برفگیر شدیم و در قهوه‌خانه‌ای وسط راه ماندیم. غیر از ما جمعی دیگر نیز به قهوه‌خانه پناه آورده بودند. شب فرا رسید و چهار نفر

از جوانان پولدار و خوشگذران مشهد - که چهار خانم هم همراه خود داشتند - باماشینی آمدند و چون گرفتار برف و تاریکی شده بودند، به قهوه‌خانه پناه آوردند. آمدن آنها در آن شب تاریک برفی در میان کوهستان بزم عیشی مجانی برای مسافران به وجود آورد، جوانان بطریهای مشروب و خوراکیها را چیدند و زنان، بعضی به خوانندگی و بعضی به رقص پرداختند. در گرما گرم این بساط، در قهوه‌خانه باز شد و مرحوم ملاحعباس تربتی با سه چهار نفر که از تربت به مشهد می‌رفتند و مرکبشان الاغ بود، از ناچاری برف و تاریکی شب، آنها هم به این قهوه‌خانه پناه آوردند و از صاحب قهوه‌خانه اجازه خواستند که به آنها جایی بدهد. او گفت: سکوی آن طرف خالی است.

حاج علی اکبر می‌گفت: من با مشاهده این وضع هراسان شدم و گفتم که نکند از جانب حاج آخوند نسبت به اینها تعرضی بشود و از جانب آنها نسبت به این مرد الهی اهانت شود. آماده دفاع از حاج آخوند شدم، ولی دیدم ایشان وارد شد و گویا نه کسی را

نافرمانی می‌شود، پس خود را فرو بندد تا آنگاه که وضع را تغییر دهد.»

خداوند پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام را برای هدایت بشر، زنده کردن معروفها و از بین بردن منکرات برانگیخت و آنان در ادای این رسالت الهی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. تلاش و اصرار آنان به سبب اهمیتی بود که برای این فریضه الهی قائل بودند. آنها به دلیل قلب سرشار از رأفت و رحمت، حاضر نبودند هیچ کس به منکرات آلوده شده و به خشم خدا گرفتار آید.

ابن شهر آشوب می‌نویسد: امیر مؤمنان علی علیه‌السلام وارد خانه شد، لحظه‌ای بعد بانویی آمد و از شوهرش شکایت داشت، حضرت فرمود: اندکی صبر کن تا از گرمای هوا کاسته شود، آن زن گفت: در این صورت خشم شوهرم بیشتر می‌شود، حضرت سرخود را پایین انداخت و لحظه‌ای بعد فرمود: به خدا قسم نباید رسیدگی به دادخواهی

می‌بیند و نه چیزی می‌شنود، به سوی آن سگورفت و چون نماز مغرب و عشاء را نخوانده بود، از قهوه‌چی قبله را پرسید و به نماز ایستاد و آن چهار نفر هم به وی اقتدا کردند. یکی اذان گفت و حاج آخوند اقامه گفت و وارد نماز شدند. من هم فرصت را غنیمت دانستم و اقتدا کردم، چند نفر دیگر از مسافران هم از آن بزم عیش و نوش فاصله گرفتند و به نماز جماعت پیوستند، بعد از آن قهوه‌چی هم آمد و به نماز ایستاد، وقتی از نماز فارغ شدیم از جوانها و خانمها اثری نبود، بساط خود را جمع کردند و نفهمیدیم که در آن شب برفی به کجا رفتند.<sup>۱</sup>

پس گاهی با رفتار و برخورد می‌توان به صورت غیر مستقیم امر به معروف و نهی از منکر کرد، بدون آنکه هیچ گفتگو یا برخورد نامناسبی پیش آید.

#### جلسه چهارم: تلاش فوق العاده برای

امر به معروف و نهی از منکر

قال الحسین علیه‌السلام: «لَا تَحِلُّ لِعَيْنِ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يَغْضَى فِتْطَرِفَ حَتَّى تُغَيِّرَهُ»<sup>۲</sup> بر هیچ چشم مؤمنی روا نیست که ببیند خدا

۱. فضیلت‌های فراموش شده، حسینعلی راشد، ص ۱۲۸.

۲. امالی شیخ طوسی، ص ۵۵.

امیرالمؤمنین سلام می‌دهند. به همین خاطر امام را شناخت و هراسان گفت: ای امیرمؤمنان من اشتباه کردم. به خدا سوگند در مقابل همسرمانند زمینی آرام خواهم بود تا پا بر روی من بگذارد. حضرت نیز رو به آن زن کرد و فرمود: به منزل برو و همسرت را به این کارها مجبور نکن.<sup>۱</sup>

زندگی سراسر برکت پیامبر اسلام و دوران نبوت آن حضرت، پر است از سختیها و تلاشهای طاقت فرسایی که آن حضرت برای دو فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر انجام دادند، تا آنجا که گاهی خداوند ایشان را از این همه تلاش و دلسوزی باز می‌داشت و می‌فرمود شاید جان خود را در این راه تباه کنی، که چرا مردم ایمان نمی‌آورند.<sup>۲</sup>

### سنت احیاء مساجد

#### جلسه اول: ارزش رفتن به مساجد

احیا و تقویت اجتماعات مذهبی

مظلوم را به تأخیر انداخت، حق مظلوم را باید از ظالم گرفت و رعب او را از دل مظلوم بیرون کرد، تا با کمال شهامت در مقابل ستمگر بایستد و حق خود را بخواهد. آن‌گاه به آن زن گفت: برویم.

حضرت با آن زن همراه شد تا به در خانه زن رسید، آن‌گاه صدا زد: درود بر شما! جوانی از خانه بیرون آمد. حضرت بعد از احوالپرسی فرمود: «یا عَبْدَ اللَّهِ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّكَ قَدْ أَخَفْتَهَا وَأَخْرَجْتَهَا؛ ای بنده خدا! از خدا پروا کن؛ چرا که همسرت را ترسانده و از خانه بیرون رانده‌ای.»

جوان از این سخن سخت برآشفته و گفت: به تو چه ربطی دارد! به خدا سوگند! به خاطر همین حرف تو، او را آتش خواهم زد. امیرمؤمنان هم فرمود: من تو را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم، تو در برابر من منکر دیگری مرتکب می‌شوی و معروف را رها می‌کنی.

در همین لحظات مرد جوان متوجه شد افرادی که از کوچه عبور می‌کنند به آن مرد با عنوان

۱. مناقب، ج ۲، ص ۱۰۶؛ بحارالانوار، ج ۴۱،

ص ۵۷

۲. شعراء، ۳/



در مساجد، یکی از سنتهای حسنه است که از صدر اسلام مورد توجه رهبران مذهبی، بویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. آن حضرت در این زمینه می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ»<sup>۱</sup> هر کس به سوی یکی از مساجد خدا حرکت کند، برای هر قدمی که برمی دارد - تا زمانی که به منزلش برگردد - ده حسنه نوشته می شود و ده گناه از او پاک می شود و ده درجه به وی داده می شود.»

امام خمینی علیه السلام و اهمیت حضور در

مسجد

یکی از یاران امام خمینی علیه السلام می گوید: بعد از شهادت حاج آقا مصطفی علیه السلام، همان روز تا صدای اذان بلند شد، امام نیز بلند شده و برای وضو آماده شد و به اطرافیان گفت: من به مسجد می روم.

من به یکی از خادمها گفتم: زود برو و به خادم مسجد بگو: سجاده را پهن کند. او به مسجد رفت اما خادم را پیدا نکرده بود، اصلاً کسی احتمال

نمی داد که امام خمینی علیه السلام در آن روز با آن حال بحرانی - که در شهادت فرزندش عزادار بود - به مسجد برود؛ اما امام خمینی علیه السلام با آن مصیبت عظیمی که برایش رخ داده بود، برای اقامه نماز جماعت به مسجد رفت. وقتی مردم فهمیدند که امام خمینی علیه السلام به مسجد می آید، جمعیت یک دفعه از همه طرف به مسجد هجوم آوردند. ما وقتی به مسجد رسیدیم، مردم همه گریه می کردند؛ چه گریه ای! امام وارد مسجد شد، نماز را به جماعت اقامه کرد و بعد از نماز روضه خوانده شد و امام و همه حاضرین گریستند.<sup>۲</sup>

خاطره ای از استاذ امام خمینی علیه السلام

حضور در مساجد حتی در سخت ترین زمانها، سیره و سنت بزرگان دینی بوده است. آنان با تأسی از قرآن کریم که فرموده «در مساجد، خدا را مخلصانه بخوانید»<sup>۳</sup> در شدیدترین دورانهای خفقان و استبداد، در مساجد برای عبادت مخلصانه حضور یافته و

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱.

۲. سرگذشتهای ویژه، ج ۱، ص ۶۵.

۳. اعراف / ۲۹.

این کانونهای مذهبی را فعال می‌کردند. زمانی که رضاخان قصد داشت مساجد را تعطیل کند، بر هر مسجدی عده‌ای قزاق گذاشته و آن را به صورت تعطیل در آورده بود؛ اما استاد امام خمینی علیه السلام، مرحوم میرزا محمد علی شاه آبادی علیه السلام در یکی از آن روزها عازم مسجد شد. فرمانده قزاقان مستقر در مسجد جامع طهران جلو آمده و گفت: آقا! نماز و مسجد تعطیل است! آقا در حالی که حتی سرشان را بلند نکرده بود، از آن مأمور دولتی پرسید: اینجا کجاست؟ او گفت: مسجد. آقا فرمود: من کی هستم؟ گفت: پیشنهاد مسجد. فرمود: مملکت چه مملکتی است؟ او گفت: ایران. آقا فرمود: ایران، دینش چیست؟ افسر دولتی گفت: اسلام. فرمود: شاه کشور چه دینی دارد؟ گفت: شاه مسلمان است. آقا فرمود: هر وقت شاه گبر شد و اعلام کرد که من کافرم و در این مسجد ناقوس زدند، من هم می‌روم در مسجد مسلمانان نماز می‌خوانم. پس از این گفتگو در مسجد را باز کرده و داخل مسجد شد و نمازگزاران نیز آمدند و نماز جماعت

را تشکیل دادند.<sup>۱</sup>

#### جلسه دوم: برکات حضور در مسجد

رفت و آمد کردن به مساجد، آثار و برکات فراوانی دارد. امام حسن مجتبی علیه السلام در گفتاری حیاتبخش ۸ فائده از فوائد مسجد را می‌شمارد و می‌فرماید: «مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى كُمَانِ: آيَةُ مُخَكَّمَةٍ وَأَخًا مُسْتَفَادًا وَعِلْمًا مُسْتَظَرًّا وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرْثُهُ عَنْ رَدِي وَتَرْكِ الذُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً؛<sup>۲</sup> کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از هشت بهره نصیبش خواهد شد:

نشانه و دلیل محکم [و قاطع در راه هدف]، دوستی فایده‌دار، دانشی نو، رحمتی مورد انتظار [از طرف خداوند]، آموختن سخنانی که او را هدایت کند یا از لغزشها باز دارد؛ ترک گناهان از روی حیا و شرم و یا ترس.»

#### ابوعلی سینا در مسجد

ابن سینا دانشمند نابغه قرن چهارم هجری، به علم و دانش علاقه بسیار

۱. عارف کامل، ص ۵۷.

۲. تحف العقول، ص ۲۳۵؛ تربیت در سیره امام

مجتبی علیه السلام، ج ۴، ص ۲۹.

حضور در خانه خدا توانست به مقصودش نائل شود.<sup>۱</sup>

این دستور قرآنی است که می فرماید:  
**﴿أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾**<sup>۲</sup> «در هر مسجدی توجه خویش را به سوی خدا کنید و در حالی که دین خود را برای خدا خالص گردانیده‌اید، او را بخوانید.»

### اخلاص

مردی وارد مسجد شد و دید تکبیر می‌گویند. از یکی پرسید: نماز چندم است؟ جواب دادند: تمام شد. گفت: آه! شخصی از میان جمعیت برخاسته و گفت: حاضرم تمام نمازهایم را با آن آه تو عوض کنم و چنین کردند. شب هنگام آنکه آه را خریده بود در عالم خواب دید که پاداش بزرگی به او داده‌اند.

آن یکی از جمع گفت این آه را

توبه من ده و آن نماز من تو را

شب به خواب اندر بگفتش هاتقی

که خریدی آب حیوان و شفی<sup>۳</sup>

داشت. او مدتی بود که به دنبال یک کتاب - در مورد فلسفه و حکمت از علمای یونان قدیم - می‌گشت. وی در این مدت مسافرتها کرده و به جستجوی وسیع پرداخت؛ اما هر چه تلاش نمود آن را پیدا نکرد. تا اینکه روزی روانه مسجد شد، دو رکعت نماز خواند و پس از نماز از درگاه خدای بزرگ خواست تا آن کتاب را به وی برساند. از مسجد بیرون آمده و به سوی منزل حرکت کرد، ناگهان سر راه خود چشمش به پیرزنی افتاد که مقداری اشیاء کهنه و پوسیده قدیمی را در زمین گسترده و در معرض فروش قرار داده بود، از جمله چند کتاب کهنه نیز در کنار بساط او دیده می‌شد.

بوعلی که عاشق بی قرار کتاب بود،

بی اختیار به سوی آنها کشیده شد، از قضا

همان کتابی را که سالها به دنبالش بود در

میان آن اشیاء قدیمی مشاهده کرد، آن را

برداشت و به پیرزن گفت: این کتاب را چند

می‌فروشی؟ او نیز مبلغ ناچیزی را

درخواست کرد. بوعلی با خوشحالی

وصف ناپذیری وجه را پرداخت کرد و به

گمشده دیرین خود رسید. آری او با نماز و

۱. آموزه‌های کلام وحی در قصه‌های تربیتی،

ص ۱۴۶.

۲. اعراف/۲۹.

۳. مثنوی، ص ۵۰۲.

### سنت رعایت حقوق دیگران

جلسه اول: جویا شدن از حال همسایه  
 عن الامام علی عليه السلام: «مِنْ حُسْنِ  
 الْجَوَارِ تَقَدُّ الْجَارِ»<sup>۱</sup> از نشانه‌های حسن  
 همسایگی، جویا شدن از احوال  
 همسایه است.»

در روایات و سیره بزرگان دینی  
 توجه زیادی به همسایه و اطلاع از  
 اوضاع و احوال او شده است. درباره  
 اینکه مسلمان شب سیر بخوابد ولی از  
 حال همسایه‌اش باخبر نباشد،  
 مذمتهای زیادی وارد شده است.  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که  
 شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش  
 گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده  
 است.»<sup>۲</sup>

مرحوم استاد شهید مطهری نقل  
 می‌کند: سید جواد آملی (فقیه بزرگ و  
 صاحب مفتاح الکرامه) شبی مشغول  
 صرف شام بود که در خانه‌اش به صدا  
 درآمد، در را باز کرد، دید خادم  
 استادش، سید مهدی بحرالعلوم است.  
 خادم گفت: استاد بر سر سفره شام  
 نشسته‌اند، اما دست به غذا نخواهند  
 برد تا شما را ببینند. سید جواد با عجله

به طرف خانه استاد رفت. تا چشم  
 استاد به سید جواد افتاد، با خشم  
 بی سابقه‌ای گفت: از خدا نمی‌ترسی؟  
 از خدا شرم نداری؟!

سید جواد غرق در حیرت شد که  
 چه واقعه‌ای اتفاق افتاده که اینقدر  
 استاد را به خشم آورده است. از استاد  
 سؤال کرد که علت چیست؟ بحرالعلوم  
 فرمود: هفت شبانه روز است که فلان  
 همسایه‌ات با آن عائله زیاد گندم و  
 برنج ندارد و در این مدت از مغازه  
 محلشان خرماى زاهدی ارزان نسبه  
 کرده، امروز نیز برای نسبه گرفتن رفته  
 ولی قبل از آنکه نیاز خود را اظهار کند،  
 مغازه دار گفته که حساب شما زیاد  
 شده، او هم خجالت کشیده و دست  
 خالی به خانه برگشته و امشب خودش  
 و عائله‌اش بی شام مانده‌اند.

سید جواد گفت: به خدا قسم! من  
 از این جریان خبر نداشتم و اگر  
 می‌دانستم، حتماً به احوالش رسیدگی  
 می‌کردم. استاد گفت: همه عصبانیت

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲؛ تحف العقول،

ص ۸۵

۲. امالی طوسی، ص ۵۲۰.

حُرْمَةٌ مِنَ الْكُفْبَةِ؛<sup>۲</sup> احترام مؤمن از احترام کعبه هم بالاتر است.»

انسان اشرف مخلوقات خداست و این ویژگی او موجب می شود که شخصیت هر انسانی را محترم بشماریم. یکی از ابعاد حقوق مؤمنین بر همدیگر اینست که نسبت به یکدیگر احترام بگذارند و حقوق هر یک را در مورد او رعایت کنند و محترم بشمارند. در حدیث فوق، امام صادق علیه السلام می فرماید: احترام مؤمن از احترام کعبه بالاتر است.

حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه گاهی هنگام تدریس و بحث با شاگردان، عصبانی می شدند (البته نه آن عصبانیتی که او را در خلاف رضای خدا وارد کند) ولی پس از درس سخت از آن عصبانیت پشیمان می شدند و به دنبال طرف می فرستادند و از او عذرخواهی می کردند، و گاهی برای جلب محبت او، کمکهای مالی نیز می نمودند، از اینرو در میان

من برای این است که چرا از احوال همسایهات بی خبر و غافلی؟ چرا باید آنها هفت شبانه روز به این وضع بگذرانند و تو متوجه نباشی؟ اگر باخبر بودی و اقدام نمی کردی که اصلاً مسلمان نبودی.

سید بحرالعلوم یک سینی غذا و مقداری پول به او داد تا به خانه همسایه اش ببرد و از او معذرت خواهی کند. بعد هم فرمود: من همینجا می مانم و شام نمی خورم تا برگردی و خبر آن مرد مؤمن را برایم بیاوری.

وقتی سید جواد آمد و دقیقی در خانه همسایه محتاجش ماند، همسایه اصرار کرد تا علت این کار او را بدانند. وقتی ماجرا را شنید، گفت: من راز خود را به هیچ کس نگفتم و تعجب می کنم که سید بحرالعلوم چگونه از این مطلب مطلع شده است.<sup>۱</sup>

آری این گونه باید به امور همسایگان رسیدگی کرد و از احوال آنان جو یا شد.

جلسه دوم: احترام به حقوق دیگران

قال الصادق علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ

۱. داستان راستان، شهید مطهری، ج ۲، داستان

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۶.

دوستان، این مزاح معروف شده بود که «عصبانیت آیه الله بروجردی مایه برکت است».

گاهی به این هم قناعت نمی‌کردند، روز بعد هنگامی که بر منبر تدریس می‌نشستند، در حضور جمع شاگردان، از آن فرد عذرخواهی می‌کردند.

آیه الله سید مصطفی خوانساری از نزدیکان آیه الله بروجردی بود. او می‌گوید: روزی آقا در کلاس درس نسبت به یکی از شاگردان به نام شیخ علی چاپلقی عصبانی شد تا حدی که آن شاگرد می‌خواست گریه کند، آن درس تمام شد، همان روز، بعد از نماز مغرب آقا مرا طلبید، با عجله به حضورشان رسیدم، تا مرا دید فرمود: «این چه حالتی بود که از من صادر شد؟ یک نفر عالم ربانی را رنجاندم، الان باید بروم و دست ایشان را ببوسم و حلالیت بطلبم و بعد بیایم نماز بخوانم. عرض کردم ایشان در مسجد «شاه زید» امام جماعت است و تا دو سه ساعت از شب گذشته به منزل خود نمی‌آید. من به ایشان اطلاع می‌دهم که

آقا فردا صبح به منزل شما می‌آیند. صبح شد، من حرم رفتم و برگشتم، دیدم آقا سوار بر درشکه در کنار منزل ما منتظر من هستند، همراه ایشان به منزل شیخ علی رفتیم. آقا به ایشان فرمود: «از من بگذرید، از حالت طبیعی خارج شدم و به شما پرخاش کردم و...». شیخ علی عرض کرد: «شما سرور مسلمین هستید و برخورد شما باعث افتخار من است...». باز آقا تکرار کردند «از من بگذرید، مرا عفو کنید»<sup>۱</sup> آن بزرگمرد تا این اندازه به حقوق دیگران احترام می‌گذاشت و به حفظ آبروی آنها توجه عمیق داشت و این مسئله را عملاً به دیگران هم یاد می‌داد. با توجه به حرمت مؤمن نزد خداوند، انسان تا حد امکان باید از عصبانی شدن و پرخاش کردن دوری کند و اگر هم اتفاق افتاد و عصبانی شد، در اسرع وقت جبران کند و عذرخواهی نماید و نگذارد عصبانیتش ادامه یابد.

**جلسه سوم: رسیدگی به امور دیگران**

قال رسول الله ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ

۱. محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، ج ۵،

او بدهم تا عزت و شرف او پایمال شود و نیز برای اینکه به کمک بلاعوض عادت نکند، از این کاهوهایی که خریداری ندارد و در نهایت برای فروشنده ضرر است برمی دارم، تا هم از ضرر او جلوگیری کنم و هم به این وسیله کمکش کنم. ضمن اینکه برای من هم فرقی نمی کند که کاهوهای لطیف و نازک بخورم یا کاهوهای پلاسیده و کلفت.<sup>۴</sup>

ایمان بن تغلب گفت: با امام صادق علیه السلام در حال طواف بودیم، یکی از دوستانم با اشاره از من خواست که نزد او بروم، ولی من در میان طواف نرفتم، بار دیگر به من اشاره کرد، این بار حضرت به من فرمود: چرا نمی روی؟ گفتم: آیا طواف را به خاطر کار او قطع کنم؟ فرمود: آری، مگر نمی دانی انجام کار دیگران از خیلی طوافها برتر و ثوابش بیشتر است.

انْتَفَعِ بِالنَّاسِ؛<sup>۱</sup> بهترین مردم کسی است که مردم از او سود و بهره برند.»  
در قرآن کریم خداوند در یک مورد به پیامبر می فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛<sup>۲</sup> «مبادا خودت را در اندوه اینکه مردم ایمان نمی آورند هلاک کنی.» این مسئله نشان می دهد که رسول خدا صلی الله علیه و آله همه زندگی اش را برای حل مشکل مردم و تعالی آنها وقف کرده بود و شب و روز به فکر هدایت و ارشاد آنان بود.

خود حضرت فرمودند: «هر کس حاجت مؤمنی را برآورده کند، خدا حاجتهای او را برآورده می کند، که کمترین آنها بهشت است.»<sup>۳</sup>  
یکی از طلاب نقل می کند: به مغازه سبزی فروشی رفته بودم، دیدم مرحوم حاج میرزا علی قاضی (استاد عرفان علامه طباطبایی) خم شده و مشغول جمع کردن کاهوهای پلاسیده و خشن است. بعد از آنکه آنها را خرید به دنبال او رفتم و علت این کار را سؤال کردم. فرمود: این فروشنده انسان شریف و محتاجی است و من چون نمی خواهم چیزی بلاعوض به

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۳.

۲. شعراء / ۳.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۵.

۴. سیمای فرزندگان، ص ۳۴۹.

ازدواج نیز بهاری دارد و آن زمانی است که انسان در اوج بلوغ جسمانی قرار دارد، اگر ازدواج در این دوران انجام گیرد آثار گرانبها و مفیدی را در پی خواهد داشت و محصول چنین ازدواجی فرزندان شاداب و بانشاط خواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حِدَائِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَةَ، يَا وَيْلَةَ! عَصَمَ مِنِّي ثَلَاثِي دِينِهِ. فَلَيْتَنِي اللَّهُ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْبَاتِمِي؛<sup>۱</sup> هیچ جوانی نیست که در ابتدای جوانی ازدواج کند مگر آنکه ناله شیطان بلند می‌شود: ای وای، ای وای، دو سوم دین خود را از من حفظ کرد. پس این بنده باید تقوای الهی را در یک سوم باقی مانده پیشه سازد.»

گاه در روایات تعبیرات و تشبیهات معنا داری برای سرعت ورزیدن به ازدواج در دوران جوانی وارد شده است که سخت قابل دقت است، از جمله امام هشتم علیه السلام فرمود: «جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند

سود دنیا و دین اگر خواهی  
مایه هر دوشان نکوکاری است  
راحت بندگان حق جستن  
عین تقوا و زهد و دینداری است  
(ابن یمین)

نکسته جالب اینکه از نظر روانشناسی هم ثابت شده که انسانها تشنه محبت‌اند و از دشمنی و بدخواهی گریزان‌اند. در معاشرتها هیچ عاملی به اندازه خدمت و یاری رساندن به دیگران جلب‌کننده دلها و محبتها نیست، لذا وقتی محبت به میان آمد، کدورتها و دشمنیها از میان انسانها رخت برمی‌بندد و آنان به سمت صلاح کشیده می‌شوند.

### سنت ازدواج آسان

جلسه اول: ازدواج در جوانی  
همچنانکه فصلی از طبیعت بهار نام گرفته است که در آن سرسبزی و شادابی و نشاط مشاهده می‌شود، دوران عمر انسان نیز دارای بهاری است که همان دوران جوانی باشد. در این دوران، انسان سرشار از قدرت و نیرو و نشاط و شادابی است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱، ر.ک: کنز العمال، حدیث ۴۴۴۱.



است، تجملات و رسم و رسومات سنگینی است که دور امر مقدس ازدواج را احاطه نموده است مانند: مهریه سنگین، جهیزیه کمرشکن، جشن عروسی مفصل همراه با رقابتهای ناروا و اسراف فراوان، توقعات بیش از حد مانند داشتن کار با درآمد زیاد، خانه آنچنانی، ماشین و....

اسلام در این بخش سفارشاتى دارد که می تواند گره گشا باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهریه می فرماید: «أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَقْلَهُنَّ مَهْرًا وَأَحْسَنَهُنَّ وَجْهًا»<sup>۳</sup> بهترین زنان امت من، زنانی هستند که مهریه کمتر و سیمای نیکوتری داشته باشند.»

و درباره شرائط خواستگار و اینکه حتماً لازم نیست داماد و یا پدر او از ثروتمندان باشند، فرمود: «إِذَا حَظَبَ إِلَيْكُمْ رَجُلٌ فَرَضَيْتُمْ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ فَرَوْا جَوْهَ وَالْأَسْفَعَلَوْهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ»<sup>۴</sup> هرگاه

و می فرماید: دوشیزگان همچون میوه درخت اند که هرگاه میوه رسید، چاره‌ای جز چیدن آن نیست و گرنه خورشید آن را فاسد می کند، و باد رنگ آن را دگرگون می سازد، و به حقیقت دوشیزگان هرگاه دریابند آنچه را زنان دریافته اند، دوایی جز شوهر برای آنان نیست و گرنه ترس فتنه بر آنها می رود. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و مردم جمع شدند و آنچه را خداوند عزیز و جلیل دستور داده بود اعلام نمود.<sup>۱</sup>

#### حکایت

مرد و زنی روستایی، پسرشان به سن بلوغ رسیده بود. روزی زن به شوهرش گفت: اگر می توانی و برایت میسر است الاغی را که داریم بفروش تا برای پسرمان زن بگیریم. از آن روز به بعد هرگاه پدر می خواست صحبت کند، پسر کلامش را قطع می کرد و فوراً می گفت: بابا از فروختن الاغ سخن بگو.<sup>۲</sup>

#### جلسه دوم: سهل گیری در امر ازدواج

از مسائل مهمی که امروزه به صورت یک معضل جدی درآمده

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۳.

۲. امثال و حکم، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

باعث راحتی دنیا و برکات معنوی می‌شود.

**جلسه سوم: ویژگیهای شوهر مطلوب**  
 خواسته‌ها و سلیقه‌های افراد در تمام امور مختلف است، از اینرو تکیه کردن بر خواسته‌های فردی اشخاص در هر امری از جمله ازدواج کار را دچار مشکل می‌کند. برای حل معضل انتخاب در ازدواج، خوب است انسان نگاهی به راهنماییهای معصومین داشته باشد.

ما در این جا به برخی از ویژگیهای شوهر خوب از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام اشاره می‌کنیم.

۱. خوش اخلاق باشد.

حسین بشار می‌گوید: به امام هفتم نامه نوشتم که یکی از بستگان من دخترم را خواستگاری نموده است، ولی خلقتش بد است. حضرت فرمود: اگر بد اخلاق است با او وصلت نکن.<sup>۲</sup>

۲. با تقوا باشد.

مردی نزد امام حسن مجتبی علیه‌السلام

خواستگاری [برای دختر شما] نزد شما آمد که دین و امانتداری وی رضایت بخش بود، پس [دختر خود را] به او تزویج نمایید. در غیر این صورت، فتنه و فساد در زمین پیدا می‌شود.<sup>۱</sup>

**خاطره‌ای از مرحوم کاشف الغطاء**

مرحوم آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء ملجأ و پناه مستمندان بود و تا می‌توانست در رفع نیازهای مردم می‌کوشید. در حالات او نوشته‌اند: روزی بعد از تمام شدن کلاس درس شیخ، طلبه‌ای نزد او آمد، ولی از اظهار حاجت خویش خجالت می‌کشید. شیخ جعفر آنقدر با او گرم گرفت و با او با مهربانی صحبت کرد که او جرأت یافت و عرض کرد: «دختر خود را همسر من گردان.»

شیخ بلافاصله دست او را گرفته، به اندرون خانه‌اش برد و بدون هیچ تشریفاتی، بعد از رضایت دختر، عقد آنها را خواند، و در همان شب مراسم عروسی صورت گرفت.<sup>۱</sup>

آری آنچه مورد نظر اسلام است، ازدواجهای ساده و بی‌آلایش است که

۱. حکایتهای شنیدنی، محمدی اشتهاردی، ص ۲۰۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

عیاشی می‌کنند؛ به حدی که مریض می‌شوند.<sup>۳</sup>

۴. اهل گناه نباشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که دخترش را به شخص فاسق تزویج نماید، هر روز بر او هزار لعنت نازل می‌گردد.»<sup>۴</sup>

### آئین همسر داری

جلسه اول: پرهیز از ستم و خشونت  
پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:  
«قَائِلٌ زُجِّلَ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ  
مَالِكُ خَازِنِ التَّيْرَانِ فَيَلْطَمُهُ عَلَى حَرِّ وَجْهِهِ  
سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ»<sup>۵</sup> هر کس به  
صورت زنش سیلی بزند، خداوند  
عزیز و جلیل، به آتشبان جهنم دستور  
می‌دهد تا در آتش جهنم هفتاد سیلی بر  
صورت او بزند.»

زن نیز مانند مرد خودش را  
دوست دارد و به حفظ شخصیت

آمد تا درباره ازدواج دخترش با او  
مشورت کند. حضرت به او فرمود:  
«زَوْجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقَى فَاِنَّهُ اِنْ اَحَبَّهَا اَكْرَمَهَا  
وَ اِنْ اَبْغَضَهَا لَمْ يَبْغِضْهَا»<sup>۱</sup> دخترت را به مرد  
با تقوا تزویج کن؛ زیرا اگر دخترت را  
دوست بدارد او را گرامی می‌دارد و اگر  
او را دوست نداشته باشد، به او ستم  
روانمی‌دارد.»

۳. اهل شراب نباشد.

امام هشتم علیه السلام فرمود: «بر تو باد که  
از تزویج [دختر خویش] با شرابخوار  
دوری کنی. پس اگر او را به تزویج  
شرابخوار درآوردی، گویا وی را به کار  
خلاف عفت سوق داده‌ای.»<sup>۲</sup>

واضح است که شارب الخمر  
علاوه بر دردهایی که دارد و  
رنجهایی که بر همسرش تحمیل  
خواهد کرد، نسل او نیز دچار  
مشکلاتی خواهد شد. در یک گزارش  
آمده است: «به طور کلی هشتاد درصد  
اشخاص ناقص الخلقه و معلول،  
محصول شب اول زانویه می‌باشند؛  
زیرا در این شب، مسیحیان عید بزرگی  
دارند، به عیش و نوش پرداخته و بیش  
از حد متعارف مشروب خواری و

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۴۲.

۳. دکتر غیاث الدین جزایری، اعجاز خوراکیها،  
ص ۲۱۴.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۲.

۵. همان، ص ۲۵۰.

خویش علاقه‌مند است. دوست دارد محترم و گرامی باشد و از تحقیر و توهین رنجیده خاطر می‌گردد. مخصوصاً اگر توهین به صورت آزار بدنی و زدن باشد که سخت مورد نکوهش قرار گرفته است و عذاب آخرتی دردناکی را در پی خواهد داشت.

زن دارای روحیه‌ای حساس و لطیف است و اعمال خشونت با او، قبل از هر چیز سبب جریحه‌دار شدن روحیه‌اش می‌گردد و اگر چه ممکن است در بسیاری از موارد در مقابل رفتار بد و خشن مرد عکس‌العملی نشان ندهد و حتی اعتراض نکند، ولی آثار این رفتار و حرکت مرد به صورت عقده‌های نهفته در زن در می‌آید و به انحاء مختلف از جمله بدرفتاری و خشونت با فرزندان بروز می‌کند.

#### قلوه سنگ مانع کتک شد

البته گاهی زبان برخی خانمها در آزار آنان توسط شوهر نقش دارد، گویند زنی مرتب توسط شوهر آزار می‌دید، و کتک می‌خورد، برای جلوگیری از این مسئله به دعانویس

مراجعه کرد و از او خواست دعایی برای جلوگیری از کتک شوهر بنویسد. دعانویس متوجه شد که زن، آدم زبان‌داری است و همین زبان او را چنین گرفتار نموده است. لذا قلوه سنگی به او داد و گفت: هرگاه دعوا شروع شد این سنگ را در دهان خویش می‌گذاری و گزندى به تو نمی‌رسد. اتفاقاً یکی از روزها دعوا از طرف شوهر شروع شد و منتظر جواب زن بود که جوابی نیامد؛ چرا که قلوه سنگ مانع جواب دادن همسر او شده بود. دعوا بدون کتک کاری خاتمه یافت. زن رفت تا از دعانویس تشکر کند، دعانویس گفت: دعایی در کار نبود، من فقط جلو زبان تو را بستم.

زبان، ما را عدوی خانه‌زاد است

زبان، بسیار سر بر باد داده‌است

جلسه دوم: آراستگی و پاکیزگی ظاهر

امام باقر علیه السلام فرمود: «النِّسَاءُ بِمَحَبَّتِنَ

أَنْ يَرَيْنَ الرَّجُلَ فِي مَثَلِ مَا يُحِبُّ الرَّجُلُ أَنْ

يَرَى فِيهِ النِّسَاءَ مِنَ الزَّيْنَةِ؛<sup>۱</sup> همان گونه که

مردان دوست دارند زینت و آرایش را

۱. مکارم الاخلاق، ص ۸۰.

واسطه نامرتبی و مهیّا نبودن مردان است که زنان، عفت خویش را از دست می دهند. سپس فرمود: آیا دوست داری همسرت را نامرتب [و ژولیده] ببینی؟ گفتم: نه. فرمود: همسرت نیز مانند تو است [و دوست دارد مرتب و آراسته باشی].<sup>۱</sup>

همان حضرت در سخن دیگری فرمود: «زنان بنی اسرائیل بدان جهت از طریق عفت خارج شدند که مردانشان به مرتب بودن و زیبایی مقید نبودند.»<sup>۲</sup>

**جلسه سوم: شادیها را به خانه انتقال دهید**

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا تَكُونُوا فَكِهَةً عَامَّةً إِلَّا أَطَعَمَ عِيَالَهُ مِنْهَا وَلَا يَدْعُ أَنْ يَكُونَ لِلْعَيْدِ عِنْدَهُمْ فَضْلٌ فِي الطَّعَامِ وَأَنْ يَسْنِيَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مَا لَمْ يَسْنِ لَهُمْ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ»<sup>۳</sup> هر میوه‌ای که عموم مردم از آن استفاده می‌برند به عیالش بخوراند و در روزهای عیدی که دارند، طعام آنان را افزایش دهد و چیزهایی برای آنان

در زنانشان ببینند، زنان نیز دوست می‌دارند که در مردانشان زینت و آراستگی را ببینند.»

رعایت نظافت در همه جا و برای همه کس لازم است. انسان موظف است بسدن و لباسش را همیشه، مخصوصاً در محیط خانه تمیز نگهدارد.

پاکیزگی، آراستگی و زیبایی اختصاص به زن ندارد. مرد هم باید به سر و وضع خویش برسد و شیک باشد.

البته اکثر مردها به زینت و آراستگی در خارج از منزل مقیدند ولی در منزل و نزد همسر به این مسئله توجه ندارد. همچنانکه مرد دوست دارد که زن برای او آرایش کند و ظاهر آراسته داشته باشد، زن هم همین توقع و انتظار را از شوهر خویش دارد.

**امام هشتم و آراستگی ظاهر**

حسن بن جهم می‌گوید: حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که خضاب کرده بود. عرض کردم خضاب کرده‌اید؟ فرمود: بله. مرتب بودن و آراستگی [ظاهر] باعث عفت زنان می‌شود. به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲.

۳. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۷۰.

فراهم کند که در روزهای دیگر فراهم نمی‌کرده است.»

کارهای روزمزه آنقدر مردم را گرفتار کرده است که مخصوصاً مردان کمتر می‌رسند در کنار اهل و عیال باشند، در ساعاتی هم که با خانواده بسر می‌برند، تلفنهای دوستان، و ارتباط با تلفن همراه بین آنان و خانواده فاصله ایجاد می‌کند.

حداقل بیاییم در روزهای عید و شاد جامعه، مثل ایام ولادت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام شادیاها را از خیابانها و حسینیه‌ها و... به درون خانه‌ها انتقال دهیم. این کار با کمترین بودجه میسر است.

آقای می‌گفت: من برنامه دارم هر شبی که عید یا ولادت یکی از معصومان باشد، مقداری شیرینی تهیه می‌کنم، آنگاه از بچه‌ها سؤال می‌کنم: امشب چه عیدی است؟ و یا ولادت کدامیک از پیشوایان است؟ مختصر اطلاعاتی درباره آن عید و یا آن امام ارائه می‌شود، و داستان جذابی مربوط به آن مناسبت بیان می‌گردد، آنگاه شیرینی صرف می‌شود. این برنامه هم

باعث نشاط و شادی فرزندان می‌شود و هم اطلاعاتی را کسب می‌کنند و هم به جای داستانهای گرفته شده از بیگانگان، مغز و فکر بچه را با داستان واقعی از امام معصوم علیهم‌السلام پر کرده‌ایم.

#### جلسه چهارم: کمک کردن در کار خانه

فاطمه زهرا علیها‌السلام فرمود: «خیار کرم أَلَيْتُكُمْ مُنَاكِبَةً وَأَكْرَمْتُهُمْ لِنِسَائِهِمْ؛ بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر است؛ و [ارزشمندترین مردم کسانی هستند] که با همسرانشان کریمانه‌تر برخورد کنند.»

هرچند کارهای داخل منزل نوعاً به عهده زن‌ها است، ولی باید توجه داشت که اداره یک منزل کار آسانی نیست.

یک بانوی خانه‌دار اگر شبانه روز هم تلاش کند، باز هم مقداری از کارها لنگ می‌ماند، مخصوصاً در مواقع غیرعادی مانند مهمان‌داری و... خوب است شوهران گاه آستین همت را بالا بزنند و بجای فرمان و دستور، در برخی کارها مشارکت کنند، چراکه خانه ستاد فرماندهی نیست بلکه کانون صفا و محبت و محل

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۲۵؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۰؛ دلائل الامامة، ص ۷.

این حال دیشب مشغول آرد کردن گندم بودم و ابوالحسن (علی علیه السلام) حسن و حسین را نگهداری و حمل می کرد.<sup>۴</sup>

### سنت ساده زیستی

#### جلسه اول: سبکبار بودن

ساده زیستی از سنتهای حسنه‌ای است که از سیره معصومین علیهم السلام به یادگار مانده است. مولای متقیان علی علیه السلام در یک کلام زیبا مردم را به ساده زیستی سفارش کرده و فرمود: «تَخَفُّوْا تَلْحَقُوْا!»<sup>۵</sup> سبکبار شوید تا برسید.

#### خاطره‌ای از شهید رجایی

شهید رجایی که به ریاست جمهوری انتخاب شده بود، هیچگاه از سنت حسنه ساده زیستی دست برد نداشت و مانند مردم عادی زندگی می کرد. وی در یکی از خاطرات خود می گوید: یک بار که اتوبوس دو طبقه سوار شده بودم، راننده اتوبوس با

همکاری و تشریک مساعی است. و هرگز این فکر را به ذهن نپرورانند که اگر در منزل کار کنیم از ابهت و جلالمان کاسته می شود. بر عکس، اگر مردی در کارهای خانه همکاری کند، نزد همسرش با صفا و نزد دیگران دلسوز و مهربان قلمداد می شود.<sup>۱</sup>

#### پیامبر صلی الله علیه و آله و کمک در کار منزل

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - با آن همه عظمت - در منزل کار می کرد. از عایشه همسر پیغمبر نقل شده است که: وقتی خلوت می شد، رسول خدا لباسش را می دوخت و کفشش را وصله می کرد و مانند سایر مردها در منزل کار می کرد.<sup>۲</sup>

#### علی علیه السلام و کمک به فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام تقسیم کار کرده بود؛ کارهای داخل منزل را فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون منزل را علی علیه السلام انجام می داد،<sup>۳</sup> با این حال حضرت در کارهای منزل فاطمه علیها السلام را همراهی می کرد؛ گاه می دیدند که علی علیه السلام عدس پاک می کند و گاه بچه‌ها را ننگه می داشت. چنانکه در موردی فاطمه زهرا علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد:

«ای رسول خدا هر دو دستم به علت آرد کردن گندم با آسیاب دستی ورم کرده، با

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۲۵؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۰.  
 ۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷ - ۲۳۰.  
 ۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۳۱.  
 ۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴ ز ۸۴ و ۸۵.  
 ۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۱.

## جلسه دوم: آفات دوری از

## ساده‌زیستی

زندگی تشریفاتی و دوری از سنت حسنه ساده‌زیستی آفات زیادی به دنبال دارد که یکی از آنها سختی حساب روز قیامت است.

علی علیه السلام در مورد جمع ثروت و زندگیهای تشریفاتی می‌فرماید: «فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ»<sup>۲</sup> اموال حلال [در زندگی] حساب دارد و اموال حرام عقاب و کیفر دارد.»

حضرت سلیمان از خداوند متعال زندگی شاهانه خواست و عرضه داشت: «هَبْ لِي مَلَكًا لَا يُتَبِعُنِي إِلَّا خَلْدٌ مِّنْ بَعْدِي»<sup>۳</sup> «پروردگارا! مرا حکومتی عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد!» خداوند متعال هم خواسته او را اجابت کرد و آن حضرت به زیباترین زندگی شاهانه دست یافت. حضرت سلیمان تمام دستورات شرعی را اعم از واجب و مستحب انجام می‌داد و معصوم بود و هیچ گناهی از وی صادر نشد. با این حال حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

شاگرد خود در مورد افزایش قیمت پیکان که به یکصد هزار تومان رسیده بود صحبت می‌کرد و می‌گفت: شنیده‌ای که قیمت پیکان صد هزار تومان شده است؟ شاگرد به او گفت: بشود یک میلیون تومان، آن موقع که قیمت سی هزار تومان بود، ما قشر مستضعف نمی‌توانستیم ماشین بخریم، حالا هم نمی‌توانیم، بعد نگاهی به من کرد و به راننده گفت: مثلاً این آقا را ببین! چقدر شبیه آقای رجایی است! ولی حالا او کجا زندگی می‌کند و با چه ماشینهایی رفت و آمد می‌کند و این بنده خدا هم آمده سوار اتوبوس دو طبقه شده است. راننده هم حرف او را تأیید کرده و کلی هم به من بد و بیراه گفت. من به او گفتم: آقای راننده! حالا شما از کجا می‌دانید شاید این بنده خدا هم مثل شما زندگی می‌کند. راننده جواب داد: نه آقا، تو هم دلت خوش است، شما چقدر ساده‌ای! آنها زندگی‌ای دارند که به خیال من و تو هم نمی‌رسد، شاگرد او هم مرتب حرف راننده را تأیید می‌کرد و من نگفتم که خود رجایی هستم.<sup>۱</sup>

مکن تعلق خاطر به نقش صفحه دهر

جریده وار همی زئی و ساده‌وش می‌باش

(جامی)

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۶/۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۸۲.

۳. ص/۳۵.



حضرت سلیمان به خاطر پادشاهی دنیا بعد از همه پیامبران به بهشت داخل خواهد شد.<sup>۱</sup>

بلی آنانکه از زندگی ساده دست کشیده و به دنبال تجملات و مادیات هستند، گرچه انسانهای پاک و بی‌گناهی هم باشند، از محاسبه روز قیامت در امان نخواهند بود.

امیر مؤمنان علیه السلام در شب ۱۹ ماه رمضان منزل دخترش حضرت ام کلثوم علیها السلام مهمان بود، هنگامی که دو نوع خورشید را در سفره ام کلثوم مشاهده کرد (دو قرص نان جو، کاسه‌ای شیر و اندکی نمک در آن سفره بود) فرمود: دخترم یکی از آنها را بردار، مگر نمی‌دانی من در زندگی پیرو حضرت رسول صلی الله علیه و آله هستم؟ سپس فرمود: دخترم! هر که خوراک و پوشاک او در دنیا نیکوتر است، ایستادن و انتظار او در قیامت نزد خداوند بیشتر خواهد بود. در حلال دنیا حساب و در حرامش عقاب خواهد بود.<sup>۲</sup>

### داستانی از محدث قمی

مردی از بازرگانان تهران تا آخر عمر وجه مختصری به محدث می‌داد و ایشان با کمال سادگی و قناعت زندگی می‌کرد. در اواخر عمر شخصی از همدان به نجف

شرف آمد و ایشان را در خانه‌اش ملاقات کرد. ضمن گفتگو، از وضع شخصی محدث نیز سؤال کرد. آن مرحوم هرچه بود گفت. شخص همدانی در موقع رفتن مبلغی پول به ایشان داد، ولی هر چه اصرار کرد محدث قمی نپذیرفت. پس از رفتن وی فرزند بزرگش گفت: پدرجان! چرا نپذیرفتی؟ جواب داد: گردنم نازک و بدنم ضعیف است، طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم! سپس از ساده‌زیستی امیر مؤمنان علیه السلام یاد کرده و به موعظه اهل خانه پرداخت.<sup>۳</sup>

نظر آنان که نکردند بدین مشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

جلسه سوم: آفات دوری از

ساده‌زیستی

زندگی تشریفاتی خوی استکباری و طغیان در مقابل فرامین الهی را تقویت می‌کند. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾<sup>۴</sup> «بی‌تردید انسان از اینکه خود را بسی نیاز ببیند، سر به طغیان

۱. حیاة القلوب، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۶۷.

۴. علق/ ۶.

برمی‌دارد.»

### ثعلبه انصاری و پیامبر ﷺ

ثعلبه انصاری زندگی ساده‌ای داشت. روزی دلش خواست که وضعش بهتر شده و زندگی مرفه‌ی داشته باشد. راز دلش را با پیامبر اکرم ﷺ در میان نهاد و از آن حضرت تقاضا کرد که در این مورد برایش دعا کند و عرضه داشت یا رسول الله! از خدا بخواه تا من مالدار شوم و قول می‌دهم به حق خدا گردن نهاده و از مستمندان دستگیری کنم. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای ثعلبه! برو قناعت کن و آنچه را که خدا برایت عطا کرده شکرگذاری کن!

اما او دست بردار نبود. بار سوم که پیش پیامبر آمد، حضرت دست به دعا برداشته و عرض کرد: پروردگارا! از فضل خود ثعلبه را روزی کن! بعد از این دعا بود که ثروت از هر سو به طرف ثعلبه روی آورد و چند عدد گوسفند او به گله‌ای تبدیل شد، تا اینکه دیگر نتوانست در شهر مدینه بماند. او قبلاً نمازهای پنجگانه خود را با پیامبر ﷺ در مسجد می‌خواند ولی بعد از ثروتمند شدن، کم‌کم نمازهای روزانه به هفته تبدیل شد و چیزی نگذشت که گرفتاری دنیوی او را به کلی از مسجد و

نماز جماعت محروم کرد. هنگامی که آیه زکات نازل شد، نماینده پیامبر ﷺ برای گرفتن زکات از گوسفندان و شتران بی‌شمار ثعلبه به بیابانی که او در آنجا دامداری می‌کرد آمد. اما ثعلبه در مقابل نامه پیامبر ﷺ که از او درخواست زکات کرده بود برآشفته و گفت: یعنی چه؟ مگر ما کافریم که جزیه بدهیم؟ و بعد پرداخت زکات را به بعد موکول نمود.

هنگامی که سخنان او به گوش پیامبر ﷺ رسید، حضرت دو بار فرمود: وای بر ثعلبه! بعد از تمرد ثعلبه از فرمان پیامبر ﷺ، آیه نازل شد که: ﴿فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾<sup>۱</sup> «هنگامی که خداوند از فضل خود به آنان (بعضی از مسلمانان) بخشید، بخل ورزیده و از فرمان خدا سرپیچی کرده و روی برتافتند.»<sup>۲</sup>

و این چنین است که دوری از ساده‌زیستی و روی آوردن به تجملات و زندگی تشریفاتی، انسان را از ارزشهای الهی و خدوند متعال جدا می‌کند.

### جلسه چهارم: قناعت و عزت نفس

۱. توبه/۷۵.

۲. تفسیر ابوالفتوح رازی، در تفسیر همین آیه.

مرجعیت عامه وی برای زیارت عازم مشهد مقدس رضوی شد، شیخ انصاری در موقع بدرقه برادرش به او سفارش نمود که: در این سفر خواه ناخواه بین تو و شاه و امرای دولت ایران ملاقاتی روی خواهد داد. مواظب باش عزت نفس را از دست ندهی و از آنها وجهی را نپذیری و به این وسیله خود را بنده آنان نسازی! و اگر از ایشان چیزی پذیرفتی دیگر حق ندادی پیش من بیایی. بلکه در بازگشت از مشهد در دزفول بمان!

#### شهید مدرس

آیت الله سیدحسین مدرس از جمله آزادمدانی است که عزت نفس خود را در پرتو ساده‌زیستی بدست آورده بود. او در این مورد گفته است: اگر من نسبت به بسیاری از مسائل و اسرار آزادانه اظهار عقیده می‌کنم و هر حرف حقی را بی‌پروا می‌زنم، برای آن است که چیزی ندارم و از کسی هم نمی‌خواهم. اگر شما هم بار خود را سبک کنید و توقع را کم نمایید، آزاد می‌شوید.<sup>۲</sup>

سنت حسنه ساده‌زیستی در زندگی انسان آثار و برکات فراوانی دارد که یکی از آنها عزت نفس است. علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ عَزِّ النَّفْسِ لُزُومُ الْقَنَاعَةِ»<sup>۱</sup> از عوامل عزت نفس پابندی به قناعت [و ساده‌زیستی] است.»

دست طلب چو پیش کسان می‌کنی دراز  
پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش  
در حالات شیخ انصاری آمده است:  
یکی از ثروتمندان ایران هنگام سفر به مکه مبلغی به شیخ انصاری بخشید تا منزلی برای خویش تهیه کند، ولی شیخ بر اثر بلند طبعی و آزادگی از آن مال استفاده شخصی نکرد و همه آن مبلغ را برای ساختمان یک مسجد و خرید زمین آن مصرف نمود. امروزه آن مسجد به نام شیخ انصاری در شهر مقدس نجف معروف است. آن مرد هنگامی که از حرکت خدایسندانه شیخ انصاری آگاه شد، ارادتش به وی افزون گشته و ممانعت طبع وی را تحسین نمود. او نه تنها ساده می‌زیست و عزت نفس و آزادگی خود را حفظ می‌کرد، بلکه به دیگران نیز در این زمینه توصیه‌ها می‌نمود. هنگامی که شیخ منصور برادر شیخ انصاری در زمان

۱. میزان الحکمه، ج ۳، ح ۱۷۱۳۹.

۲. فرهنگ کوثر، ش ۳۶، ص ۲۲.